

مواد مخدر در ایران عصر صفوی

محسن مؤمنی^{۱*}، علی اکبر کججاف^۲، فریدون الهیاری^۳

مقاله‌ی مروری

چکیده

گیاه خشخاش و خواص آن برای اولین بار در الواح سومری شناخته شد. مردمان این تمدن جزء اولین انسان‌هایی بودند که با آن آشنا شدند. این گیاه در بین آن‌ها به گیاه شادی بخش معروف بود. در میان یونانی‌ها و رومی‌ها نیز گیاه خشخاش شناخته شده بود و آنان نیز از ویژگی‌های آن آگاه بودند. درباره‌ی زمان ورود تریاک به‌عنوان اصلی‌ترین ماده‌ی استحصال‌ی از گیاه خشخاش به ایران اختلاف نظر وجود دارد اما استفاده از آن برای خواص دارویی در آثار پزشکی چون ابن سینا و رازی وجود دارد. استفاده از تریاک و معجون‌هایی که دارای ترکیبات مخدر بودند در ایران دوره‌ی میانه گزارش شده است اما در دوره‌ی صفویه که موضوع اصلی این پژوهش است، استفاده از تریاک به‌صورت گسترده رواج پیدا کرد. در این دوره مصرف تریاک یا ترکیبات حاوی مواد مخدر به‌صورت خوراکی بود. در مصرف فراوان مواد مخدر در این دوره عواملی چون استفاده از ترکیبات دارای مواد مخدر به‌صورت دارو، عادت‌های غلط جامعه و غیره تأثیرگذار بود و اقدامات متعدد شاهان صفویه در ممانعت از استعمال این مواد در جامعه چندان تأثیرگذار نبود. از علل ناکارآمدی فرامین شاهان در کنترل مصرف و تولید مواد مخدر عواملی مانند، مصرف این مواد از سوی درباریان و شاهان یا نبود احکام اسلامی درباره‌ی حرام بودن مصرف مواد را می‌توان نام برد. پژوهش حاضر بر آن است که با رویکردی توصیفی-تحلیلی به علل رواج مواد مخدر در دوره‌ی صفویه و اقدامات شاهان صفوی برای جلوگیری از شیوع استفاده از این مواد بپردازد.

واژگان کلیدی: عصر صفویه، دارو، بنگ، مواد مخدر

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه اصفهان

^۲ استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

^۳ استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

* نشانی: اصفهان، دروازه شیراز، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه تاریخ، تلفن: ۰۹۱۸۸۷۲۱۷۲۰

Email: momeni2003@yahoo.com

مقدمه

تریاک یا افیون از کهن‌ترین ازمینه برای انسان شناخته شده بود. اصل این کلمه از واژه‌ی یونانی تریاکاست. در الواح سومری درباره‌ی چگونگی برداشت و تهیه‌ی شیرهی تریاک مطالبی ذکر شده است. در این الواح شیرهی خشخاش جیل (Gil) نامیده شده که به معنای لذت و خوشگذرانی است و معادل لاتین آن (Joy) است. (۱). در اوستا نامی از خشخاش برده نشده اما بنگ به‌عنوان گیاه اهریمن معروف بوده و در دین زرتشت به دوری از این ماده‌ی شیطانی سفارش می‌شده است (۲). ابوعلی سینا و رازی از اولین پزشکانی هستند که خواص تریاک را به‌طور کامل تشریح کرده‌اند (۳). درباره‌ی چگونگی ورود تریاک به ایران نمی‌توان به‌طور دقیق تاریخ خاصی ذکر کرد. ظاهراً تریاک در قرن اول هجری با حمله‌ی اعراب، از مصر و عربستان وارد ایران شد و از همان عهد به تصور این‌که تسکین دهنده‌ی دردها و نیروبخش جسم و علاج بی‌خوابی است متداول گشت (۴). در دوران صفویه مصرف انواع مواد مخدر رایج بود و این موضوع چالش‌هایی را در جامعه ایجاد می‌کرد. تولید و تأثیرات مصرف این مواد در جامعه، دلایل رواج مصرف و دلایل ناکارآمدی اقدامات در جلوگیری از مصرف مواد مخدر در جامعه از مسائل اصلی در این پژوهش است.

مواد مخدر و تأثیرات آن در عصر صفویه

خشخاش و مناطق کشت و تولید

خشخاش گیاهی است از تیره‌ی کوکناریان دارای ساقه‌ی باریک و برگ‌های طویل و درشت و مفرس، گل‌های آن سفید و ارتفاعش به یک‌متر بالغ می‌شود. میوه‌ی خشخاش به شکل حقه (غوزه) است و پس از ریختن برگ‌ها و گل در سر شاخه آشکار می‌شود. وسط آن پر از دانه‌های ریز سفید است. پوست غوزه‌ی خشخاش را پس از رسیدن، با تیغ مخصوص خراش می‌دهند (۵). ماده‌ی سیال غلیظ و چسبنده‌ای تراوش می‌کند که پیش از طلوع آفتاب در سپیده دم به جمع‌آوری آن

شتاب می‌کنند. عصاره‌ی خشخاش را هر قدر که خارج شود به‌صورت حبه جمع‌آوری می‌کنند. و در نهایت سر گیاه خشخاش خشک و سیاه می‌شود و ساقه و تخمش نیز چنین می‌گردد (۶).

شیرهی خشخاش در ابتدای خروج از میوه‌ی خشخاش، سفید است ولی در مجاورت هوا تغییر رنگ داده ابتدا زرد رنگ و بعداً قهوه‌ای می‌شود. این شیرهی حاوی آلکالوئید فراوان است (۵). کشت خشخاش در ایران عصر صفویه در بلوک لنجان در اصفهان به‌دلیل داشتن هوای گرم و آب کافی و استان فارس و منطقه‌ی کازرون بسیار رواج داشته است. تریاک به‌دست آمده در کازرون از نظر کیفیت بالاتر از تریاک لنجان بود. شاردن در این مورد می‌نویسد: «بهترین خشخاش ایران در بلوک لنجان به‌دست می‌آید. شش فرسنگی اصفهان و بسیاری از دشت‌ها و دامنه‌های آن مشحون از این نباتات است. اما بعضی از افراد افیون کازرون را که در حوالی ساحل خلیج فارس است عالی‌تر می‌دانند و می‌گویند افیون اصفهان مایه‌ی خامی و موجب ترشحات استسقایبی است، در صورتی که محصول کازرون از این عیوب عاری است» (۶). بعضی از سیاحان از کشت خشخاش در نزدیکی اصفهان و حومه‌ی شهر نیز خبر داده‌اند (۷). هرچه از دوره‌ی صفویه به طرف قاجار می‌آییم مناطق بیش‌تری از زمین‌های کشاورزی در ولایات مختلف ایران به زیر کشت خشخاش می‌رود؛ در اواسط دوره‌ی قاجار در ولایات اصفهان، شیراز، تبریز، خوانسار، کرمان، یزد، خراسان، کازرون، شوشتر به مقدار کمی کرمانشاه، بروجرد و همدان کشت خشخاش رونق فراوانی یافت و تریاک ایران به‌صورت کالایی تجاری مطرح شد که بهترین تریاک ایران برای تولید محصول مرفین به لندن فرستاده می‌شد (۸، ۹).

تریاک: فراوری و تأثیرات

در عصر صفوی فرآورده‌های مختلفی که بیش‌تر آن‌ها ترکیبی از تریاک بود، توسط مردم مصرف می‌شد؛ الگوی

تأثیر این داروی موذی بر حسب مقدار آن کم یا بیش تر است و معمولاً چهار تا پنج ساعت اثراتش طول می‌کشد، اما در حقیقت طی این مدت تأثیرش به روش واحد نخواهد بود. بعد از این فعل و انفعال، تن آدمی سرد، افسرده و حاج و واج می‌شود، هم‌چنان خمود و لاقید می‌ماند تا این‌که یک حبه دیگر از نو به‌کار برد (۶). در عصر صفوی توزیع و عواید تریاک به دو بخش تقسیم می‌شد. حکومت در توزیع و تولید چندان دخالتی نمی‌کرد. تولید به‌وسیله‌ی کشاورزان و زارعان انجام می‌شد و توزیع آن از طریق عطاران و این تجارت سود فراوانی را نصیب عطاران می‌کرد. صاحبان عطاری گاهی خود مواد مخدر مصرف می‌کردند. میر جزمی شاعر تبریزی عصر شاه عباس اول در تبریز به عطاری مشغول بود و شعرا را با برش و تریاک ضیافت می‌کرد. وی این کار را از روی مصلحت انجام می‌داد تا بدین وسیله خود را از بدگویی شعرا نگاه دارد (۱۲). حکومت نیز علیرغم مالیات‌ها، بر تولید و توزیع، مبالغ زیادی تحت عنوان ترجمان به‌صورت جریمه از معتادین دریافت می‌کرد که میزان مبلغ از یک دینار تا سه‌هزار دینار در نوسان بوده است. در دوره‌ی صفویه به‌دلیل رواج تجارت ابریشم و سود فراوان آن، کشت خشخاش چندان مورد توجه نبود و بیش‌تر مصرف داخلی را تأمین می‌کرد.

کوکنار: فرآوری و تأثیرات

یکی از انواع متداول مواد افیونی که در عصر صفویه استعمال می‌شد ماده‌ای نوشیدنی به نام کوکنار است. این ماده قبل از صفویه نیز در جامعه‌ی ایرانی مورد استفاده بود. یکی از قدیمی‌ترین نوشته‌ها درباره‌ی کوکنار و اثرات آن، اشعار مسعود سعد سلمان در قرن پنجم هجری است:

شخص هاشان برده از خلقت نهاد نارون

مغزهاشان خورده از غفلت شراب کوکنار (۱۳).

در دوره‌ی صفویه دو نوع روش تهیه برای کوکنار بود که یک نوع آن مخصوص دربار صفویه بود و نوع دیگر مصرف عمومی در جامعه داشت. نوع اول به‌وسیله‌ی اطباء دربار و بنا به درخواست شاهزادگان درست می‌شد. شاهزادگان به‌دلیل

مصرف این مواد به‌صورت مصرف خوراکی بود و از گیاه خشخاش فرآورده‌هایی مانند تریاک، کوکنار، فلونیا و چرس تولید می‌شد. البته بنگ نیز از محصولاتی بود که در جرگه‌ی مواد مخدر قرار داشت ولی آن را از شاهدانه استحصال می‌کردند. رایج‌ترین نوع ماده‌ی مخدر تریاک بود که به نام‌های تریاک فاروق و تریاک هاشم بیگی شناخته می‌شد.

شیره‌ی خود خشخاش را ایرانیان هاشم بیگی می‌خواندند که آن را به‌صورت حبه در می‌آوردند. محصول اصلی خشخاش که خود تریاک بود در منابع این دوران با عنوان تریاک فاروق بر می‌خوریم. در فرهنگ دهخدا، بهترین نوع تریاک، تریاک فاروق ذکر شده که از لغت یونانی مثرودیطوس گرفته شده و به معنی جداکننده و نجات‌دهنده‌ی تن انسان از مضرات زهر و با مثالی از عطار آن را توضیح داده است (۳).

از آن بر خویشتن زهر آزمودی

که صد تریاق فاروقیش بودی

نگاهی به منابع عصر صفویه نشان می‌دهد که تریاک فاروق بیان‌کننده‌ی محصول تریاکی است که در منطقه‌ی خاصی از ایران تولید می‌شده که به‌دلیل کیفیت بالا در دربار صفویه مصرف می‌شده است. فاروق یکی از دهات بلوک مرودشت فارس بود که به‌دلیل آب و هوای خوب برای تولید خشخاش، محصول تریاک آن به نام همان بلوک معروف بوده است (۱۱، ۱۰).

شاردن درباره‌ی نحوه‌ی استعمال تریاک می‌نویسد که در ایران ابتدا به‌قدر نوک سوزن و سپس به‌تدریج به مقدار بیش‌تر استفاده می‌شد و استعمال آن به‌دلیل وابسته شدن شخص به آن افزایش می‌یافت تا به درشتی یک حبه می‌رسید. او می‌نویسد ایرانیان مدعی هستند که استعمال آن مناظر و مزایای زیبایی در کله‌ی آدمی پدیدار و کیف را کوک و دماغ را چاق می‌کند، کسانی که آن را به‌کار می‌برند بعد از یک ساعت اثراتش را احساس می‌کنند و شاد و مسرور می‌گردند و بعد شروع به خندیدن می‌نمایند، سپس هزار گونه ادا و اطوار عجیب در می‌آورند، شوخی می‌کنند، مسخره در می‌آورند.

روح منجر می‌شد. استفاده‌ی فراوان شاهزادگان صفوی از کوکنار باعث می‌شد که هنگامی که به قدرت می‌رسیدند، افرادی سست و وامانده بوده و دچار پیری زودرس می‌شدند و توانایی برای اداره‌ی کشور نداشتند (۱۴). وجود برخی خرافات درباره‌ی حالتی که مصرف کوکنار ایجاد می‌کرد در مصرف فراوان آن تأثیرگذار بود. شاردن می‌نویسد: «ایرانیان برخلاف حقیقت و کیفیت واقعی حالتی که مصرف کوکنار ایجاد می‌کند مدعی هستند که حالتی که ایجاد می‌شود حالت خلسه است، یک جریان مافوق‌طبیعه و جنبه‌ی الهی در این جذب‌ه وجود دارد» (۶).

بنگ: فرآوری و تأثیرات

بنگ از دم‌کرده‌ی حبه‌ی خشخاش (تریاک) با دانه‌ی شاه دانه‌ی کنب و کچوله ساخته می‌شد. این ترکیب را بنگ و پوست می‌نامیدند. بنگ قوی‌تر از دیگر مواد مخدر بود. برحسب مقدار استعمال آن، فرد دچار یک قسم جنون شادی و پرخنده‌ای می‌شد و در اندک مدتی یک نوع بلاهت کامل عارض می‌گردید. نوع دیگری از ترکیب بنگ بود و آن تنها ترکیبی از دانه و برگ‌های شاهدانه بود (۱۷).

بنگ در کشورهای همسایه‌ی ایران استفاده و کاربردهای دیگری داشت. هندیان معمولاً بنگ را به‌خورد مجرمین سیاسی می‌دادند که مایل به اعدامشان نبودند تا به این طریق عقل آن‌ها را زایل سازند و همچنین به کودکان خانواده‌ی سلطنتی می‌دادند که می‌خواستند قادر به حکومت نباشند. در ترکیه این کار را خوب‌تر از کور کردن می‌دانستند. در ایران بنگ برای تقویت و تحریک میل جنسی استفاده می‌شد (۱۷). کسی که این مشروب مخدر را مصرف می‌کرد، شروع به جنب و جوش و خنده می‌نمود، اما به‌تدریج تبدیل به مرده‌ای می‌شد و بعد از یکی دو ساعت آهسته آهسته به حالت طبیعی بازمی‌گشت. اعتیاد به این دارو مانند تریاک خطرناک بوده است. کسانی که به نوشیدن این مشروب عادت داشتند دیگر نمی‌توانستند از آن دست بردارند و ترک بنگ برای آنان در حکم دست شستن از زندگی بود (۶).

آن‌که در حرمسرا بزرگ شده بودند که محیطی سرشار از شهوت‌رانی بود می‌خواستند برای لذت‌جویی و شهوت‌رانی بیش‌تر قوای جنسی خود را که اصولاً به‌طور موروثی هم اندک و ناچیز بود، افزایش دهند. بنابراین، پزشکان داروهای برای آنان درست می‌کردند. یکی از این داروها ترکیبی از تریاک با مشک و عنبر و سایر عطریات بود که با هم مخلوط شده بود و این حب‌ها را تجویز می‌کردند اما اگر شاهزاده به مایعات بیش‌تر تمایل نشان می‌داد، شربت‌ی از شکوفه‌های معطر مهیا ساخته و پوسته‌ی خشخاش را چند ساعتی در آن می‌خواباندند تا نرم شود و بعد باز این شربت را با قندی که به سهم خود با عطریات آغشته شده بود ترکیب می‌کردند که این شربت را کوکنار می‌گفتند. نوع دیگر کوکنار مصرف عمومی داشته و ترکیبی پخته شده از شقایق کوهی و حبه‌ی خشخاش بود که این نوع نیز به‌صورت شراب و نوشیدنی استعمال می‌شد. مصرف کوکنار در عصر صفوی رواج زیادی داشت و به مانند قهوه‌خانه‌ها، میخانه‌های مخصوص نیز برای شرب آن در تمام شهرهای ایران وجود داشته که به کوکنارخانه معروف بودند. کمپفر به علاقه‌ی زیاد ایرانیان در مصرف کوکنار اشاره می‌کند (۱۴).

عوارض این ماده‌ی مخدر به گونه‌ای بود که افراد پس از نوشیدن چند فنجان از آن تندخو و بدخلق می‌شدند، به گونه‌ای که نسبت به یکدیگر اظهار تنفر پیدا کرده و گاهی به نزاع و مشاجره می‌پرداختند، اما بیش‌تر این درگیری‌ها زبانی بود. به‌دنبال تأثیر کامل ماده‌ی مخدر مغز شخص از تصورات و خیالات خوش پر می‌شد و در عین حال قوای شهوانی او تحریک می‌شد. در این حالت فرد شروع به انجام حرکات مسخره و بذله‌گویی می‌کرد، حرکاتی که مانند افراد دیوانه بود. بعد از ساعاتی آثار این ماده‌ی مخدر از بین می‌رفت و شخص مصرف‌کننده به حالتی توأم با خمودگی و درماندگی و افسردگی و تشویش دچار می‌شد (۱۶، ۱۵). استعمال مکرر کوکنار شخص را به ضعف، کند ذهنی و بی‌اعتنایی به هرچه بزرگ و سترگ بود دچار می‌کرد و سرانجام به تیرگی مطلق

دیگر مخدرات

در سفرنامه‌ی سفیر زیبا که سرگذشت سفیر فرانسه به دربار شاه سلطان حسین است ماری پتی با زنان حرمخانه‌ی صدراعظم دوستی خاصی ایجاد کرد و در مجلس شبانه‌ی آنان با نشئه حشیش آشنا می‌شد. این تنها منبعی است که در مورد استعمال حشیش در ایران عصر صفویه اطلاعاتی ارائه می‌دهد. با توجه به این مسأله که در دیگر منابع ذکری از وجود حشیش و استفاده از آن نیامده است با تردید باید به آن توجه کرد و شاید منظور ماری پتی، بنگ بوده است (۷). از دیگر موادی که به صورت مخدر بود، فلونیا نام داشت. فلونیا ترکیبی از بنگ و مواد مخدر دیگر بود که شاه اسماعیل دوم با حبه‌های مسموم شده این ماده کشته شد (۲۰، ۱۹). درباره‌ی چگونگی تولید و عوارض این ماده در منابع عصر صفویه اطلاعاتی موجود نیست.

علل رواج مصرف مواد مخدر

در مورد رواج مواد مخدر آن‌چه از منابع تاریخی می‌توان استنتاج نمود در بردارنده‌ی عوامل گوناگونی است که می‌توان به شرح زیر طبقه بندی نمود.

۱- منع نوشیدن شراب در مصرف مواد مخدر در ایران عصر صفوی مؤثر بود. به علت تحریم مذهبی خوردن شراب، افراد به خصوص کسانی که پایبندی به اصول مذهب داشتند از شرب شراب امتناع می‌کردند. بنابراین، آنان به مصرف خشخاش تمایل می‌یافتند که منع مذهبی نداشت (۶).

۲- مصرف دارویی: بسیاری از پزشکان از مواد مخدر به عنوان دارو استفاده می‌کردند. اگرچه استفاده‌ی این‌گونه تاریخیچه‌ای بسیار قدیمی دارد، در این دوره فرآورده‌های مختلف نیز از طرف پزشکان تجویز می‌شد به طوری که تریاک به عنوان دارو شناخته می‌شد؛ به طور مثال، پزشکی به نام حکیم عمادالدین محمود که از پزشکان ماهر در دوره‌ی صفوی بود، به دلیل اعتیاد به مصرف تریاک، به مصرف این ماده در معالجات اعتقاد کامل داشت و در معالجه‌های خود از تریاک استفاده می‌کرد (۱۸). پزشکان دربار و حرمسرا از معجون‌ها و

افرادی که به بنگ اعتیاد داشتند دارای جایگاه پستی در جامعه بودند و آنان را افرادی فاقد شخصیت می‌دانستند و به ایشان القابی مانند بنگی کیدی بنگی، یعنی خروس شاهدانه خوار یا سگ قحبه باز داده می‌شد (۱۷). استعمال بنگ در جامعه‌ی صفوی به صورت یک تهمت سیاسی نیز کاربرد داشت، به گونه‌ای که اسکندر بیگ ترکمان مورخ رسمی دربار صفویه در کتاب خود هر کجا از شورش قلندران یا کارهای درویش علیه دولت ذکر می‌کند این افراد را بنگی معرفی می‌کند. به طور مثال، او در ذکر حوادث زمان شاه محمد خدابنده از شورش شخصی در کهگیلویه به نام اسماعیل میرزا یاد کرده که در کسوت قلندری و درویشان بود. اسکندر بیگ می‌نویسد: «این شخص ادعا می‌کند اسماعیل فرزند شاه طهماسب است و اسکندر بیگ با بیان این عبارت که در طلوع نشاء بنگ لوت‌های بیگانه به کاربرده خیالات فاسد به کاخ دماغ راه داده لاف‌های گزاف می‌زد و به هر کس وعده می‌داد بلادی از ایران و روم را ...» (۱۸). این اتهام به عنوان ابزاری برای بدنام کردن مخالفان سیاسی کاربرد داشته است و این‌که درویش و صوفیه ارتباطی با استعمال بنگ داشته‌اند یا نه نمی‌توان به یقین مشخص کرد.

چرس: تولید و عوارض

شاردن از این ماده به نام مطبوخ چرس نام برده است. گویا این ماده نیز به صورت نوشیدنی مصرف می‌شده اما تاورنیه به استعمال دخانی یا تدقینی چرس اشاره دارد، او می‌نویسد: «ازبکان از اندک زمانی پیش طریق کشیدن (چرس) را مانند تنباکو در ایران معمول کرده‌اند که گل یا به عبارت دقیق‌تر رشته‌های ظریف پنبه‌ای شکل است که روی بوته‌های مزرعه شاهدانه یافت می‌شود». تأثیر مصرف چرس به گونه‌ای بود که در مغز فرد خیالات واهی ایجاد می‌شد و گاهی شادی بخش و مفرح و گاه خشم‌آور بود و کسانی که آن را مصرف می‌کردند دو سه ساعت از خود بی‌خود می‌شدند. مصرف چرس نیز در دین اسلام و فقه معمول عصر صفویه حرام بود (۱۵).

سلطان حسین در هنگام اقامت در فرانسه به مصرف افیون (تریاک) عادت داشته است (۷). فرستاده‌ی شاه عباس به انگلیس به نام نقدعلی بیگ به دلیل انجام کارهایی برخلاف مأموریت محول شده به او و به این دلیل که جرأت نداشت به حضور شاه عباس اول برسد، خود را با خوردن تریاک مسموم کرد (۲۳). بیش‌تر پسران و برادران شاه طهماسب تریاکی بودند. یکی از پسران شاه طهماسب اول به نام سلیمان میرزا که در مشهد خادم باشی آستان حضرت رضا (ع) بود به قدری تریاک می‌خورد که شاه او را به قزوین آورد تا مگر از تریاک خوردنش باز دارد که موفق نشد. جانشین شاه طهماسب، اسماعیل دوم نیز به دلیل مصرف تریاک، در نهایت مسموم و کشته شد. (۴)

۴- نقش عادات و باورها در مصرف مواد مخدر: شاردن می‌نویسد: «مصرف دارو (تریاک و مواد مخدر) در ایران در حقیقت نتیجه‌ی یک تمایل عمومی است و به زحمت از ده نفر یک نفر را می‌توان یافت که به این عادت شوم آلوده نشده باشد. اما کسانی که شراب می‌نوشند از این حکم کلی مستثنی هستند» (۶). شاردن درباره‌ی ریشه‌های تمایل عمومی به مصرف مواد مخدر توضیحی نداده است. اما یکی از نکاتی که در بیش‌تر سفرنامه‌ها به آن پرداخته شده است توصیف وضع افرادی است که به کوکنارخانه‌ها می‌آمدند و کوکنار می‌نوشیدند. این افراد معمولاً به صورت انسان‌هایی که خسته و افسرده بودند و تنها برای این که لحظاتی یا ساعتی خوش بگذرانند اقدام به مصرف مواد مخدر می‌کردند و بعد از مصرف، کارهای مسخره و لودگی می‌کردند، اما به تدریج بعد از رفتن تأثیرات مواد مورد نظر باز هم دچار افسردگی می‌شدند.

یکی از عادات ایرانیان که در مصرف خشخاش تأثیرگذار بود، عادت آنان به خواب بعد از غذا خوردن بود. نانوايان دانه‌های خشخاش را بر روی نان می‌پاشیدند چون محرک خواب بود و ایرانیان خواب بعد از غذا را خوب می‌دانستند و عامه‌ی مردم در میان دو غذا نیز از این دانه‌ها میل می‌کردند

ترکیبات تریاک مانند کوکنار برای بالا بردن توان جنسی و تقویت شهوت‌رانی شاهزادگان استفاده می‌کردند (۱۴). از دیگر موارد مصرف تریاک به عنوان دارو، تجویز مصرف آن برای تعدیل اضطراب خاطر بزرگان و رجال عالی مقام کشور در مقابل شداید امور بود (۶). در معالجه‌ی بسیاری از بیماری‌ها مانند، سرفه شربت خشخاش و اگر شربت آن فایده نداشت هر روز خوردن یک ماش افیون تجویز می‌شد؛ در موارد دیگر مانند، علاج مسمومیت غذایی، درمان نفرس، درمان بیماری‌های روده، معالجه‌ی دندان درد، اسهال، و تهیبه‌ی معجون حب الشفاء از ترکیبات مختلف خشخاش و تریاک استفاده می‌شد (۲۱).

۳- مصرف سران کشور: در منابع عصر صفوی وقتی ذکری از بعضی بزرگان، حاکمان و والیان کشور می‌شود به اعتیاد آنان به مواد مخدر اشاره‌هایی شده است. اگر چه در مبحث نقش دولت در کنترل مصرف مواد مخدر به احکامی که در کنترل مصرف مواد مخدر صادر شده اشاره خواهد شد اما مواد مخدر در دربار نیز مصرف می‌شد. یکی از دلایل رواج مصرف آن در جامعه همین موضوع بود، زیرا با استفاده‌ی بزرگان و سران مملکت، مردم نیز از آنان تبعیت می‌کردند.

فرمانی از شاه طهماسب به حاکم قندهار در دست است که در آن جهت پذیرایی از همایون پادشاه هند دستوراتی داده است. شاه برای احترام گذاشتن به پادشاه هند که به ایران پناهنده شده بود از حاکم قندهار می‌خواهد تمام امکانات رفاهی و آسایشی همایون را آماده کند. از مقام شربت دارباشی خواسته شده که در غذاهای پادشاه هند از تریاک کازرون و کوکنار که با زعفران درست شده، استفاده شود. هم‌چنین به نان‌هایی سفید با روغن و شیر مخلوط با رازیانه و خشخاش اشاره شده است (۲۲). این فرمان نشان دهنده‌ی مصرف مواد مخدر در دربار است. حتی سفرایی که به کشورهای اروپایی می‌رفتند با خود مواد مخدر حمل می‌کردند؛ برای مثال، محمدرضا بیگ فرستاده‌ی ایران به دربار فرانسه در زمان شاه

این زمینه و عدم وضوح قوانین شرعی در مقابله با استعمال مواد مخدر. اعتیاد به مواد مخدر در بعضی از مواقع باعث می‌شد فرد مقام و موقعیت خود را از دست بدهد، چنان‌که مرادیگ پسر شاهقلی سلطان حاکم کرمان به دلیل اعتیاد به تریاک از حکومت کنار گذاشته می‌شد (۱۲). حتی شناخته شدن به عنوان فرد معتاد باعث بدنامی می‌شد.

ب: مذهب

با رسمی‌شدن آیین تشیع اثنی‌عشری به وسیله‌ی شاه اسماعیل اول، بسیاری از مباحث فقهی نیز برطبق آیین جدید در جامعه به مورد اجرا گذاشته شد. در دوره‌ی صفویه یکی از منابع اصلی فقهی علمای شیعه کتاب لمعه دمشقیه تالیف شهید اول بود. در این کتاب حکم قطعی حرام بودن برای چیزی که جنس آن سکرآور و مست‌کننده است آمده، حتی اگر این ماده‌ی سکرآور با چیز دیگری مخلوط شود حرام است. بعضی از مواد مخدر نیز حرام شمرده می‌شد. بنگ به دلیل زایل‌کنندگی عقل، حرام بود (۲۴). تاورنیه می‌نویسد: «بنگ و ترکیبات آن در شرع اسلام حرام است و منع شده ولی بقیه‌ی نوشابه‌هایی که مخدر داشتند مجاز است» (۱۵).

در جمع مبحث دیدگاه اسلام درباره‌ی استعمال مواد مخدر باید گفت اگرچه در لمعه دمشقیه به عنوان یکی از اصلی‌ترین کتب فقهی شیعه به‌طور واضح درباره‌ی مواد مخدر حکم صادر نشده است، در مبحث مسکرات (شراب) و بنگ مباحثی مطرح می‌گردد که جای توجه دارد. استعمال بنگ به دلیل زایل شدن عقل حرام بود. علمای دوره‌ی صفوی مبحثی درباره‌ی مواد مخدر ندارند که برای آن دلایل ذیل را می‌توان بر شمرد: ۱- در کتب فقهی لمعه دمشقیه مصداق افیون آورده نشده است بلکه بحث بر روی حرام بودن هرچیز سکرآور است که علما از نص صریح آن استنباط می‌کردند. ۲- به دلیل رایج بودن استعمال این مواد در دربارهای صفویه، فقها قادر به مخالفت و حرام دانستن آن نبودند. ۳- وضوح و شفافیت درباره‌ی این‌که مواد افیونی آیا زایل‌کننده‌ی عقل است، وجود نداشت، تنها بنگ به‌طور آشکار حرام شمرده

(۶). یکی دیگر از خرافات رایج درباره‌ی مصرف مواد مخدر باورهای خاص درباره‌ی تأثیر مصرف آن در افزایش جرات و جسارت شخص بود. ایرانیان اعتقاد داشتند با مصرف مواد، ترس از آنان دور می‌شود و آنان به تحرک مداوم دست پیدا می‌کنند (۱۶). این عامل درباره‌ی کسانی که به مصرف مواد اعتیاد داشتند بیش‌تر بود و آنان بدون استعمال مجدد مواد جرأت نمی‌کردند به میان مردم بروند (۶).

یکی دیگر از مسائل مهم در مورد مصرف مواد مخدر در جامعه‌ی صفوی استفاده از مواد مخدر به عنوان روشی برای خودکشی یا تهدید به خودکشی بود. کسانی که قصد خودکشی داشتند یک قطعه‌ی درشت به بزرگی مشت از تریاک می‌بلعیدند و روی آن را یک لیوان سرکه می‌نوشیدند. تریاک خوردن وسیله‌ی تهدید عادی اشخاص به‌شمار می‌رفت که حوصله‌شان سرمی‌آمد (۱۵).

عوامل بازدارنده در مصرف مواد مخدر

الف: دیدگاه جامعه درباره‌ی افراد معتاد

در عصر صفوی استعمال مواد مخدر گاهی در قالب دارو، ایجادکننده‌ی شادی، بالا برنده‌ی روحیه و جرأت و کاربردهای دیگری داشت و تعداد کسانی که به این مواد اعتیاد داشتند یا حتی به‌صورت تفننی مصرف می‌کردند زیاد بود. با این وجود این افراد دارای پایگاه اجتماعی پایین بودند و این عمل از دیدگاه جامعه یک عمل زشت و ناپسندیده به‌شمار می‌آمد.

واژه‌ی تریاکی در این دوران به معنای گفته می‌شد و این لغت یک نوع ناسزا و توهین به حساب می‌آمد. شاردن می‌نویسد، واژه‌ی تریاکی در ایران به مانند لغت میخواره در فرانسه به کار می‌رفته است (۶). هم‌چنین درباره‌ی کسانی که به مصرف بنگ اعتیاد داشتند، الفاظ مشابهی رواج داشت (۱۷). بدین ترتیب کنترل اجتماعی بر افراد معتاد وجود داشت تا تحت فشار افکار عمومی استعمال مواد مخدر را ترک کنند. با این وجود، فاکتورهای دیگری این کنترل اجتماعی را تحت‌الشعاع قرار می‌داد، مانند عملکرد نادرست حکومت در

می‌شد. ۴- اگر علما حکمی علیه مصرف این مواد صادر می‌کردند فاقد اهرم اجرایی بودند و حکم آنان صوری بود و با وجود حرام بودن بنگ مصرف آن باز هم در جامعه رواج داشت. ۵- در قرآن کریم آیه‌ای درباره‌ی ضرورت خودداری از مصرف تریاک مانند شراب وجود ندارد. ۶- در سنت نیز درباره‌ی مصرف تریاک چیزی نیامده است. ۷- اجماع هم درباره‌ی مسأله‌ای که سابقه طرح ندارد موضوعیت ندارد.

ج: اقدامات حکومت صفویه

حکومت صفویه به کرات در صدد منع استعمال مواد مخدر بود. در دوره‌ی پادشاهان مختلف فرامینی از طرف آنان صادر می‌شد که این فرامین گاهی ناظر بر ممنوعیت تولید و مصرف بود و گاهی جرایم سنگینی بر مصرف‌کنندگان تحمیل می‌کرد. اما چنین فرامینی در کنترل و ریشه‌کن کردن مصرف آن در جامعه کارایی نداشت. در زمان شاه اسماعیل اول حکمی درباره‌ی مصرف مواد مخدر صادر نشد. در زمان شاه طهماسب اول مصرف مواد مخدر در دربار رایج بود، به گونه‌ای که اشاره شد در فرمانی که شاه برای پذیرایی از همایون، شاه فراری گورکانیان هند به ایران برای حاکمان سرحد صادر کرد در مورد تهیه‌ی تریاک و کوکنار برای پذیرایی از همایون سفارش کرد و این نشان‌دهنده‌ی عدم مخالفت طهماسب با این امر است (۲۲).

از سوی دیگر، بیش‌تر شاهزادگان، برادران و پسران شاه طهماسب اول به مصرف تریاک اعتیاد داشتند، مانند سلیمان میرزا و اسماعیل دوم و این موضوع رایج بودن استعمال مواد مخدر در دربار و جامعه را نشان می‌دهد. اما در اواسط دوره‌ی پادشاهی طهماسب احکامی در ممنوعیت مصرف مواد مخدر صادر شد. شاه طهماسب اول در نخوردن شراب بسیار مبالغه می‌کرد و نزدیک به پانصد تومان تریاک فاروق را در آب حل کرد و بیش‌تر لذات را ترک کرد. در حوادث سال ۹۶۳ هجری قمری به این موضوع اشاره شده که به فرمان شاه طهماسب، امرا و اعیان از کل مناهی توبه کردند. با این مقدمه شعری:

سلطان کشورو دین طهماسب شاه عادل

سوگند داد توبه خیل و سپاه دین را

تاریخ توبه دادن شد توبه نصوحاً

سرالهیست این منکر مباحش این را

این مطلبی است که احسن التواریخ روملو و شرف‌نامه‌ی بدلیسی به آن اشاره کرده‌اند و آن را نشانه‌ی فرمانی ضد استعمال مواد مخدر دانسته‌اند (۲۵). ماده‌ی تاریخ توبه نصوحاً در این ابیات سال ۹۶۳ ه. ق را نشان می‌دهد. منابع به دلیل صدور این فرمان از طرف شاه اشاره نکرده‌اند اما عالم آرای عباسی تألیف اسکندریبگ ترکمان علت را این گونه ذکر کرده است: «مردم به عبادات و طاعات مشغول بودند به دلیل امر به معروف و نهی از منکر و مبالغه‌ای که انجام می‌شد. قصه خوانان و معرکه‌گیران از اموری که شائبه لهو و لعب باشد ممنوع گشته و پانصد تومان تریاک فاروق که در سرکار خاصه شریفه موجود بود به شبهه حرمت در آب روان حل کردند» (۱۸).

اسکندریبگ ترکمان علت این اقدام شاه را دلایل مذهبی می‌داند که اگر به دوران شاه طهماسب و سختگیری‌های او در امور مذهبی توجه کنیم فلسفه‌ی صدور فرمان با گفته‌های ترکمان مشخص می‌شود و شاه به دلیل این‌که مصرف این مواد باعث ایجاد محیط گناه و لهو و لعب می‌شد، آن را ممنوع اعلام کرد. نکته‌ی دیگر در فرمان شاه طهماسب اشاره به قصه خوانان و معرکه‌گیران است که مرکز آنان معمولاً قهوه‌خانه و کوکنارخانه‌ها بوده است و این مراکز محل استعمال مواد مخدر بود.

از دیگر پادشاهان صفویه که اقداماتی در برابر استعمال مواد مخدر انجام داد شاه عباس اول بود. جلال الدین منجم می‌نویسد: «در مجلس بهشت آئین مذکور شد که جمعی از ملازمان خاصه شریفه تریاکی‌اند، چون نواب کلب آستان علی با تریاک بسیار بد است، به لفظ دربار فرمودند که از ملازمان هرکس تریاکی است یا ترک تریاک کنند یا مواجب ایام گذشته را بازدهند. من تریاکی و بی‌هنر را نگاه نمی‌دارم. این

این اقدام شاه را رواج اعمال خلاف شرع مانند فحشا به واسطه‌ی استفاده از مخدرات اعلام می‌کند. نویسنده می‌نویسد: «پیش از آن کسانی که مرتکب این اعمال می‌شدند مبالغی به سرکار خاصه شریفه به‌عنوان ترجمان پرداخت می‌کردند» برطبق این فرمان این امر ممنوع شده و نویسنده اشاره به این موضوع دارد که این مبلغ ترجمان، مبلغ قابل توجهی بوده که شاه از آن به خاطر شرع اسلام صرفنظر کرد (۲۹، ۲۸). از عهد شاه سلطان حسین نیز رقمی باقی مانده است که بر اساس این رقم به امرا و حکام دستوراتی داد که در آن تأکید شده که اعمال قمار و چرس‌فروشی که هر سال مبالغ زیادی به خزانه مالیات می‌دادند و صدور عظام و علما و فقها مؤکد به لعن آنان پرداخته‌اند، دیگر حق انجام آن کارها را ندارند و در صورت انجام، از طریق کلاتران و ریش‌سفیدان محلات درباره‌ی آنان حد جاری و مورد مؤاخذه و بازخواست قرار گیرند. هم‌چنین تأکید شد که در صورت پرداخت پول از طرف متخلفان، کسی حق پذیرفتن پول ندارد و این فرمانی است که باید همه مطلع گردند و هر ساله رقم مجدد طلب نکنند و در مساجد جامع برای اطلاع عموم نصب شود. به دنبال این فرمان موسی بیگ، دیوان بیگی و داروغه اصفهان بسیاری از مرتکبان را دستگیر کرد (۳۰).

دلایل ذیل را می‌توان در عدم تأثیر احکام دولتی در منع استعمال مواد مخدر بیان نمود.

۱- مبنای ممنوعیت استعمال مواد مخدر در دوره‌های مختلف و پادشاهان مختلف تفاوت داشت. به‌طور مثال، دلایل مذهبی در صدور فرمان منع استعمال مواد مخدر از طرف شاه پهماسب اول، شاه عباس دوم و سلطان حسین نقش اصلی را دارا بود اما در دوره‌ی شاه عباس اول ملاحظات نظامی-اقتصادی و امنیتی ارجحیت داشت.

۲- عواید نقدی به نام ترجمان که از افراد معتاد گرفته می‌شد و ظاهراً تا زمان شاه عباس دوم رایج بود، نقش زیادی در عدم تأثیر فرامین داشت، زیرا در ایالات مختلف که ممالک بودند این مبلغ ترجمان به خزانه‌ی حاکمان ایالت یا والیان

سخن باعث شد که اکثر از تریاک گذشته حتی جلال منجم که ۱۹ سال تریاکی بود به مجرد این حکم به‌اندک توجه پادشاهی ترک تریاک کرد اما بی‌آزار نبود» (۲۶). حکم شاه عباس اول درباره‌ی رجال و ملازمان تریاکی نتوانست مانع استعمال مواد مخدر توسط آنان شود و باز هم در میان رجال دولتی مصرف این مواد معمول بود. نظارت بر کارمندان دولت در ایالت‌های مختلف سخت بود و در بعضی از ایالت‌ها افراد تریاکی در دستگاه دولت حضور داشتند (۴). اقدامات شاه عباس اول برای ممنوعیت استعمال مواد مخدر بیش از دیگر پادشاهان بود. چنان که بیست سال بعد از منع استعمال مواد مخدر در بین رجال دولتی در سال ۱۰۲۸ هـ ق دستور داد که هیچ‌کس حق کشیدن تنباکو و توتون را ندارد و حتی دستور داد بینی و لب کسی را که تنباکو می‌کشد ببرند. هم‌چنین در این زمان به‌دستور شاه از هر تریاکی یک تا سه هزار دینار غرامت ترجمانی می‌گرفتند که این نیز راهی برای ممانعت از مصرف مواد مخدر بود (۲۷). شاه عباس در سال ۱۰۳۰ هـ ق طبق فرمانی نوشیدن آب کوکنار را هم قدغن کرد. به فرمان او در کوچه و بازار اصفهان جار زدند که هر کس بعد از آن آب کوکنار بنوشد کشته خواهد شد، زیرا هشت‌ماه پیش از آن شاه شرابخواری را قدغن کرده بود. شرابخواران به‌خصوص سربازان، به آب کوکنار توجه یافته و معتاد شده بودند. به شاه خبر دادند که سربازانش به‌دلیل نوشیدن آن بی‌حال و تن‌آسا و در امور نظامی بی‌علاقه و سهل‌انگار شده‌اند. فرمان شاه اجرا شد و در تمام کوکنارخانه‌ها ظرف‌ها و اسباب مخصوص را شکستند و هر که را آب کوکنار می‌خورد یا می‌فروخت می‌کشتند. اما شاه عباس بعد از مدتی فهمید با این اقدامات نمی‌تواند ترک چنین عادت‌ی بکند به جبران آن شرابخواری را آزاد کرد (۴).

در دوران شاه عباس دوم نیز فرمانی در ممنوعیت استعمال مواد مخدر صادر شد. براساس این فرمان تولید این نوع مشروبات هم ممنوع شد و اگر کسی این کار را انجام می‌داد به‌وسیله‌ی محتسبان گرفتار و مجازات می‌شد. نویسنده علت

واریز می‌شد و آنان چندان علاقه‌ای به از دست دادن این منبع درآمد نداشتند.

۳- رایج بودن استعمال مواد مخدر در دربارها و بزرگان که به این مواد اعتیاد داشتند تأثیر فراوانی در اجرا نشدن فرامین و احکام شاهان داشت. از سوی دیگر، بعضی از شاهان مانند شاه عباس دوم و شاه صفی به مصرف این مواد اعتیاد داشتند و به علت افراط در استعمال آن مردند.

۴- شخصی بودن صدور احکام و مقطعی بودن فرامین در دوره‌های کوتاه زمانی که با روی کار آمدن پادشاه بعدی فرامین لغو می‌شدند و تا پادشاه جدید آن‌ها را تأیید نمی‌کرد اجرا نمی‌شدند و در این زمان اطرافیان نیز که به مواد اعتیاد داشتند از تأیید دوباره‌ی آن جلوگیری می‌کردند.

۵- عدم هماهنگی بین احکام شرعی و احکام دولتی یکی از علل اصلی ناکارآمدی فرامین شاهان بود، زیرا در کتب فقهی حکم قطعی درباره‌ی حرام بودن مواد مخدر وجود نداشت.

نتیجه

گیاه خشخاش و خواص آن از گذشته‌های دور به وسیله‌ی انسان‌ها کشف و شناخته شد، اما در ابتدا بیش‌تر انسان‌ها از شیره‌ی این گیاه برای تسکین دردهای خود استفاده می‌کردند و به تدریج مصارف دیگری پیدا کرد. شیره‌ی این گیاه از طرف پزشکان معروف ایرانی چون رازی و ابن‌سینا در معالجه‌ی بیماری‌ها استفاده می‌شد و در طول قرون اسلامی بیش‌تر به دلیل خواص دارویی، شیره‌ی این گیاه استعمال می‌شد. در عصر صفوی، استفاده از شیره‌ی خشخاش و موادی که با ترکیب خشخاش درست می‌شد رایج بود، اما در دوران صفویه رشد و گسترش استعمال این مواد بیش‌تر شد و ترکیبات جدیدی از این ماده تولید می‌شد. در افزایش مصرف این مواد دلایلی مانند استفاده از این مواد به صورت دارو از طرف پزشکان، مصرف مواد مخدر از سوی بزرگان و درباریان، عدم ممنوعیت شرعی این مواد تأثیرگذار بود. اقدامات حکومت نیز به دلایلی چون عدم استمرار و موقتی بودن ناکارآمد بود و نتوانست مصرف این مواد را کم کند. دیدگاه مردم عصر صفوی درباره‌ی افراد معتاد نیز حائز اهمیت است، زیرا افراد معتاد در نظر مردم دارای جایگاه پستی بودند و از منزلت اجتماعی چندان‌ی برخوردار نبودند.

منابع

- ۱- باصری ع. سیاست جنایی مواد مخدر، چاپ اول. تهران: انتشارات خرسندی؛ ۱۳۸۶، ص ۶۰-۵۷.
- ۲- قربان حسینی ع. پژوهشی نو در مواد مخدر و اعتیاد، چاپ اول. تهران: انتشارات امیر کبیر؛ ۱۳۶۸، ص ۱۴۶ و ۳۱.
- ۳- دهخدا ع. لغت نامه، چاپ اول. تهران: انتشارات سیروس؛ ۱۳۴۳، جلد ۱۵، ص ۶۴۵.
- ۴- فلسفی ن. زندگی شاه عباس اول، چاپ چهارم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران؛ ۱۳۴۷، جلد ۲، ص ۲۷۱-۵.
- ۵- معین م. فرهنگ فارسی، چاپ بیست و چهارم. تهران: انتشارات امیر کبیر؛ ۱۳۸۶، جلد ۱، ص ۱۴۲۲ و ۱۰۷۵.
- ۶- شاردن ژ. سیاحتنامه شاردن، چاپ اول. ترجمه ی عباسی م. تهران: انتشارات امیر کبیر؛ ۱۳۴۵، جلد ۴، ص ۹۰-۲۸۲ و ۴۹ و ۴۸.
- ۷- گرس ا. سفیر زیبا، چاپ اول. ترجمه ی سعیدی ع ا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران؛ ۱۳۷۰، ص ۳۶۳ و ۲۲۲ و ۲۰۴.
- ۸- جمال زاده م. گنج شایگان، چاپ سوم. تهران: انتشارات سخن؛ ۱۳۸۴، ص ۳۱-۳۰.
- ۹- کرزن ج. ایران و قضیه ایران، چاپ چهارم. ترجمه ی وحید مازندرانی غ ع. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی؛ ۱۳۷۳، جلد ۲، ص ۵۹۵.
- ۱۰- خورموجی ج. نزهت الاخبار، چاپ اول. تصحیح و تحقیق آل داوود س ع. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ ۱۳۸۰، ص ۹۱.
- ۱۱- مستوفی ح. نزهت القلوب، چاپ اول. کوشش سیاقی د. تهران: کتابخانه طهوری؛ ۱۳۳۶، ص ۹-۱۴۸.
- ۱۲- صادقی کتابدار ص. تذکره مجمع الخواص، چاپ اول. ترجمه ی خیامپور ع. تبریز: انتشارات چاپخانه اختر شمال؛ ۱۳۲۷، ص ۸۶ و ۶۷.
- ۱۳- سعد سلمان م. دیوان سعد سلمان، چاپ اول. تصحیح نوریان م. اصفهان: انتشارات کمال؛ ۱۳۶۲، جلد ۱، ص ۲۲۵.
- ۱۴- کمپفر ا. سفرنامه کمپفر، چاپ سوم. ترجمه ی جهاننداری ک. تهران: انتشارات خوارزمی؛ ۱۳۶۳، ص ۲۹.
- ۱۵- تاورنیه ب. سفرنامه تاورنیه، چاپ سوم. ترجمه ی ارباب شیرانی ح. تهران: انتشارات نیلوفر؛ ۱۳۸۲، ص ۳۱۲.
- 16- Herbert T. Travels in Persia (1627-1729). London: George Routledge. Sons. LTd; 1928, p. 262.
- ۱۷- اولتاریوس آ. سفرنامه، چاپ اول. ترجمه ی بهمپور ا. تهران: انتشارات فرهنگی ابتکار؛ ۱۳۶۳، جلد ۲، ص ۲۹۱.
- ۱۸- ترکمان ا. تاریخ عالم آرای عباسی، چاپ اول. تهران: انتشارات امیر کبیر؛ ۱۳۳۴، جلد ۱، ص ۲۷۹، ۱۶۸، ۱۲۳.
- ۱۹- نظنزی م. نقاوه الآثار فی ذکر الاخیار، چاپ اول. اهتمام اشراقی ا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب؛ ۱۳۵۰، ص ۶۱.
- ۲۰- باستانی پاریزی ا. امپراطوری صفویه. مجله یغما ۱۳۴۵؛ شماره ۸: ۴۱۹.
- ۲۱- ابن شریف م. زاد المسافرین، چاپ اول. تهران: موسسه مطالعات تاریخ پزشکی؛ ۱۳۸۲، ص ۴۷، ۴۶، ۱۷، ۱۶.
- ۲۲- افشار ا. عالم آرای شاه طهماسب، چاپ اول. تهران: انتشارات دنیای کتاب؛ ۱۳۷۰، ص ۴۰۹-۳۹۲.
- ۲۳- دهباشی ع. سفرنامه برادران شرلی، چاپ اول. ترجمه ی آوانس. انتشارات نگاه؛ ۱۳۶۲، ص ۱۴۹.
- ۲۴- شهید اول م. المعه دمشقیه، چاپ بیست و یکم.

- ۲۸- باستانی پاریزی ا. سیاست و اقتصاد عصر صفوی، چاپ دوم. تهران: انتشارات صفی علیشاه؛ ۱۳۵۷، ص ۹-۱۲۸.
- ۲۹- وحید قزوینی م. عباسنامه، چاپ اول. تصحیح دهگان ا. اراک: انتشارات کتابفروشی داودی؛ ۱۳۲۹، ص ۷۰-۷۲.
- ۳۰- قزوینی و. ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم (خلد برین)، چاپ دوم. تصحیح نصیری م ر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران؛ ۱۳۸۲، ص ۲۲-۴۲۰.
- ترجمه‌ی غروی‌ان م، شیروانی ع. قم: انتشارات دارالفکر؛ ۱۳۸۲، جلد ۲، ص ۲۴۰.
- ۲۵- روملوح. احسن التواریخ، چاپ اول. تصحیح چارلس نارمن سیدن. تهران: انتشارات کتابخانه شمس؛ ۱۳۴۲، ص ۴۸۹.
- ۲۶- بدلیسی ش. شرف نامه، چاپ اول. اهتمام ولیامینوف. پترزبورگ: انتشارات دارالطباع اکادمیه امپراطوریه؛ ۱۲۷۸، جلد ۲، ص ۲۰۹.
- ۲۷- منجم ج. تاریخ عباسی، چاپ اول. تهران: انتشارات وحید؛ ۱۳۶۶، ص ۱۵۷.